



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

# غماش الاولساء

## في التوسل بحديث الكساء

### آثار وبركات توسل به حديث قدسي كساء

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داور المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پژوهشگر علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

## (۲۹) غیاث الأولیاء فی النوسل خلدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه

معارف الهی: جناب هانی ابن عروه رضی الله عنه از اصحاب امام سوم علیه السلام.

عنوان واقعه: دریافت و فهم معارف ناب اهل بیت علیهم السلام با توسل به حدیث قدسی کساء.

شرح واقعه: یکی از دانشجویان دروس معارف الهی خانم (م.ع)، توسل خود به حدیث شریف کساء را اینگونه نقل می کند:

علی رغم تلاش و علاقه ای که نسبت به تحصیل و کسب علوم و معارف الهی داشتم و به مکانهای زیادی مراجعه کرده بودم و یا حتی در آنها مدت زمانی حضور پیدا کرده بودم، ولی می دیدم آن برنامه ها جوابگویی نیازهایم نبود؛ آنچه از فضای حاکم کلاس های رایج دینی دیده و شنیده بودم؛ و رغبتی به ادامه آنها پیدا نکردم؛ و چون قلباً به آنها مطمئن نمی شدم فلذا ادامه نمی یافت، از طرفی علاقه ام به اصل موضوع فراگیری معارف الهی برقرار بود؛ اما از اینکه به مرکزی که جوابگویی نیازهایم باشد؛ و دلم را به آموخته هایش مطمئن سازد نمی یافتم ناراحت بودم.

تا اینکه بالأخره یک روز دوستی با من تماس گرفت و خبر از وجود مجالسی داد که برنامه آنها: آموزش صحیح خوانی اذان و نماز و تلاوت قرآن و سایر معارف الهی است، و محور مجلس توسل با زیارت آل یاسین

کامله می باشد، خیلی خوشحال و امیدوار شدم و با خودم گفتم این شاء الله که این بار خداوند دعا و نمازهایم را مورد اجابت قرار داد.

در آن مجالس درسی به موقع و مرتب با شور و اشتیاق حاضر شدم با دقت تمام گوش می دادم حتی نکته برداری می کردم، اما بعد از گذشت یک ماه احساس کردم فقط می شنوم و می خوانم اما نمی توانم با حقیقت درسها ارتباط برقرار کنم، نتیجه آن چیزی که دلم می خواست و دوست داشتم (با حس و دریافت معنوی و معرفتی باشد) نبود.

در آن جلسات از منزلت و شرافت حدیث شریف کساء بسیار صحبت می شد، و من قبلا (بر اساس ذهنیت اشتباه خود) فکر می کردم که: خواندن این حدیث فقط برای امور ظاهری و شفای بیماران و حوائج دنیوی است، اما هیچ گاه نمی دانستم که برای امور معنوی و معرفتی هم می شود به تلاوت این حدیث شریف متوسل شد.

با آگاهی از این نکته؛ برای رسیدن به ارتباط قلبی با این آموزشها متوسل شدم، یک روز ظهر پس از خواندن نماز ظهر برای این حاجتم نیت کردم؛ و به پنج نور مقدس آل عبا و مولا صاحب الأمر (منه السلام) متوسل شدم.

از روزی که متوسل شده بودم احساس خاصی در دلم به وجود آمد، چهار روز مانده بود تا موعد درس بعدی شروع شود. قبل از شرکت در درس از روی تقریرهایم مطالعه ای کردم؛ تا با آمادگی بهتری در درس حاضر شوم. روز آن مجلس فرا رسید، و وقتی خواستم بروم دوباره خیلی دعا کردم که

خدایا معرفت و درك و یادگیری مطالب این دروس و علمی که همیشه آروزیش را داشتیم به من عطا کن و به مجلس درس رستم.

آنجا سعی می‌کردم با دقت به مطالب گوش کنم و یاد بگیرم. وقتی پایان درس شد و برگشتم، کتاب و وسایلم را داشتم می‌گذاشتم یکباره احساس ارتباط عمیق و عجیبی به من دست داد، انس و آشنایی و ارتباط عمیقی با کل کتابها و مطالبی که تا آن روز فراگرفته بودم در من به وجود آمده بود.

خلاصه يك دفعه به خودم آمدم و متوجه شدم آثار حدیث شریف كساء (با نیتی که کردم و خواندم) حاصل شده است که این حس در من ایجاد شده است. پس از آن کم کم احساس کردم که دریچه ای از نور و معرفت به رویم گشوده شد و دریافت و فهم بهتری نسبت به کلام وحی و کلام خازنان وحی علیه السلام برایم بوجود آمد، و به کل حالم با قبل فرق کرد، بطوریکه دیدم تمام سلولهای بدنم در حال حمد و ستایش و ارادت و بندگی نسبت به حضرات مقدسه معصومین علیه السلام است، شاید نتوانم به طور کامل احساسم را بر زبان بیاورم؛ ولی این تغییر بزرگ برای بنده بسیار محسوس و مشهود بود.

نکته مهم این بود که این اثر بدون اینکه کسی نسبت به آن تلاش یا دخالتی بکند حاصل شده بود، اصلاً کسی از حال و اندرون من مطلع نبود، بلکه رفتار من رفتار يك شخص فعال و جدی بود.

از موفق شدن این توسل خیلی خوشحال شدم و خدا را با شادی تمام

شکر کردم، و شاید قابل باور نباشد که من چه احساس عجیبی داشتم، با تمام وجود دلم می خواست احساسم را فریاد کنم.

خیلی خیلی خوشحالم و احساس می کنم از همه نظر به لطف خدای منان و عنایت ائمه معصومین علیهم السلام و برکت این درسها از لحاظ معرفتی بسیار پیشرفت داشته ام. و الآن (خدا را شکر) همیشه سعی می کنم به موقع سر درسهای معارف الهی حاضر شوم و آنرا بر کارهای دیگرم ترجیح می دهم. با اینکه قبلاً هم همیشه در مسیر توسل و نذر و نیاز و عرض حاجت به ائمه معصومین علیهم السلام و دعا و نیایش بودم، اما امروزه توسلاتم خیلی فرق می کند شاید نتوانم احساسم را به جمله در آورم و انتقال دهم اما اشخاصی که به این ارتباط با حقایق معارف الهی رسیده اند و تجربه این گونه معجزات را دارند کاملاً می توانند احساس مرا درک کنند. برکات حاصله از این توسل؛ زمینه ای شد که بتوانم درک و یادگیری بیشتر و بهتری از دروس معارف الهی داشته باشم، و ارتباطم با حقیقت این معرفت برقرار شده، و بسیار نسبت به گذشته فرق کرده ام، الحمد لله رب العالمین.

در پایان آرزوی فرج مولا و اربابمان حضرت صاحب الامر (منه السلام) و سپاس و حمد ایزد منان را دارم و امیدوارم همه کسانی که طالب و خواستار علوم و معارف الهی هستند؛ این گونه توفیقات و برکات شامل حالشان بشود، و این عنایتی هم که شامل حال بنده شد؛ ماندگار، استوار، و روز افزون باشد. و الحمد لله رب العالمین